

مبانی تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران و ترکیه

چکیده

اصل لزوم قراردادها امنیت و استواری روابط قراردادی را تضمین کرده و مانع از تخلف در اجرای تعهدات است؛ لیکن یکی از معاذیری که استثناً بر این اصل محسوب می‌شود، تغییر اوضاع و احوال قرارداد است که تعادل اقتصادی قرارداد را برهم زده، اجرای آن را دشوار، پرهزینه و غیرمعارف کرده اما غیر ممکن نمی‌کند؛ خصوصاً در قراردادهای طولانی مدت که بین انعقاد قرارداد و اجرای آن فاصله می‌افتد. گرچه این نظریه در قوانین ایران تصریح نشده اما در نظام حقوقی ترکیه، با توجه به بحران‌های اقتصادی تجربه شده در سال‌های اخیر و اثرات منفی این بحران‌ها به ویژه بر بدهی‌های ارزی، امکان تعدیل قرارداد پذیرفته شده است. در این تحقیق به روش تحلیلی و توصیفی امکان تعدیل قرارداد، شرایط و آثار آن در حقوق ایران و ترکیه مورد مطالعه قرار گرفته است. با بررسی مبانی نظریه‌ی تغییر اوضاع و احوال، به نظر می‌رسد در برخی از قراردادهای، تأکید بر شرط ضمنی و در اغلب آن‌ها استناد به قاعده‌ی نفی عسر و حرج، می‌تواند توجیه مناسبی در فرض عدم توافق صریح طرفین یا نبود دلیل قانونی باشد، که براساس این مبانی، تغییر اوضاع و احوال می‌تواند آثاری از جمله تعلیق اجرا تا روشن شدن تکلیف نهایی، تعدیل میزان تعهدات و به تبع آن امکان درخواست مذاکره مجدد، را داشته باشد. در حقوق ترکیه برخلاف حقوق ایران، نظریه تغییر اوضاع و احوال قرارداد در قانون تعهدات پذیرفته شده و به تبع آن امکان تعدیل قرارداد نیز با دشواری‌های کمتری مواجه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اصل لزوم - تغییر اوضاع و احوال - غبن حادث - شرط ضمنی - عسر و حرج

بیان مسأله

یکی از مهمترین اصول حاکم بر قراردادهای اصل لزوم عقد بوده که به موجب آن بعد از انعقاد عقد، طرفین ملزم به اجرای مفاد و تعهدات پیش بینی شده در قرارداد بوده و تا زمانی که قرارداد به دلیل قانونی منحل نشده، امکان تخلف و سرپیچی متعاملین از اجرای مفاد قراردادی وجود ندارد. همچنین طرفین، به صورت یکجانبه حق تغییر مفاد و شروط مندرج در قرارداد را ندارند که از این امر تحت عنوان اصل تغییرناپذیری قراردادهای یاد می شود. مطابق این اصل، متعهد باید تعهدات مندرج در قرارداد را دقیقاً همانطور که در قرارداد پیش بینی شده است اجرا نماید و حق تغییر یا درخواست اصلاح مفاد قراردادی را ندارد. این دو اصل در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، اصولی مقدس تلقی شده و امکان تعدیل آن دو وجود نداشت. اما با گذشت زمان معلوم گردید ممکن است در طول اجرای قرارداد، حوادث پیش بینی نشده‌ای خارج از اراده متعاقدين رخ دهد که تعادل قراردادی را برهم زده و امکان اجرای تعهدات قراردادی را با دشواری شدیدی مواجه نماید. لذا نظام های حقوقی به تدریج اصل لزوم و اصل تغییرناپذیری قرارداد را تعدیل نموده و تحت شرایط خاص، امکان تعدیل تعهدات قراردادی را فراهم نمودند.

اعتقاد به مطلق بودن اصل لزوم و اصل تغییرناپذیری قرارداد در کشورهایی که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و غیرقابل پیش بینی هستند مشکلات شدیدتری ایجاد می نماید. ایران و ترکیه از جمله کشورهایی هستند که در دهه های اخیر با بحران های اقتصادی شدیدی مواجه شده و مباحثی همچون دشواری شدید اجرای قرارداد و عسر و حرج و ناممکن شدن اجرای قرارداد در این کشورها بیشتر مطرح می گردد و بحث تعدیل قراردادهای بیشتر از نظام های حقوقی که ثبات اقتصادی دارند مطرح می شود. به همین دلیل در پژوهش حاضر، بحث تعدیل قضایی قرارداد در نظام حقوق ایران و ترکیه به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است تا نحوه مواجهه دو نظام حقوقی منتخب با امکان تعدیل قرارداد در صورت دشواری شدن اجرای قرارداد به دلیل حوادث غیرقابل پیش بینی، مورد بررسی قرار گیرد. اولین پرسشی که در این تحقیق بدنبال بررسی آن هستیم در خصوص امکان تعدیل قضایی قرارداد می باشد، به بیان دیگر آیا در حقوق ایران و ترکیه

در صورت وقوع حوادث پیش بینی نشده، متعهد می تواند از دادگاه درخواست تعدیل تعهدات قراردادی براساس شرایط جدید را مطالبه نماید؟ در مقام پاسخ به این سوال باید گفت که در ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه برخلاف حقوق ایران، امکان تعدیل قرارداد پیش بینی شده، هر چند که در خصوص قلمرو شمول حکم این ماده و چگونگی اعمال آن در دکترین حقوقی ترکیه، اختلاف نظر وجود داشته و رویه واحدی بین محاکم وجود ندارد. در حقوق به دلیل فقدان نص صریح قانونی، تردید در خصوص تعدیل قرارداد شدید بوده و امکان تعدیل با موانع بیشتری مواجه می باشد. هدف دیگر این پژوهش پاسخ به مسأله شرایط تعدیل قرارداد در دو نظام حقوقی مورد بحث است. در این مقاله، موضوع تعدیل قضایی قراردادها در حقوق ایران و ترکیه به صورت تطبیقی بررسی شده است. بر این اساس ابتدا اصل تغییر ناپذیری قراردادها در این دو نظام حقوقی مورد بررسی قرار می گیرد و سپس امکان تعدیل قراردادها و مبانی آن مطالعه شده و نهایتاً شرایط و نحوه تعدیل قرارداد تحلیل می شود.

۱- مفهوم تعدیل قرارداد

در لغت تعدیل به معنی متعادل سازی، برابرساختن و از روی عدالت تقسیم نمودن آمده است.^۱ در مفهوم حقوقی، تعدیل قرارداد به تجدیدنظر و اصلاح یا تکمیل قراردادی که به واسطه دلایل مختلف، توازن و تعادل قراردادی بین طرفین برهم خورده، گفته می شود. بعد از انعقاد قرارداد، در نتیجه وقوع حوادث پیش بینی نشده ممکن است اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد تغییر یافته و اجرای قرارداد برای یکی از طرفین به شدت مشکل گردد. در چنین وضعیتی، نظریه تعدیل قرارداد به دنبال اعطای اختیار به دادرس جهت تطبیق دادن قرارداد با وضعیت موجود بوده تا با اصلاح تعهدات قراردادی امکان اجرای عقد برای طرفی که باسختی شدید مواجه شده فراهم گردد.

۱ - علی اکبر دهخدا، لغت نامه، (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳)، ص ۵۹۵۷

حسن عمید، فرهنگ فارسی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳)، ص ص ۴۰۳.

۲ - صحبت الله سلطانیان، تعدیل قضایی قرارداد، (تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴) ص ۲۲.

در حقوق ترکیه برای تعدیل قراردادها از اصطلاح **sozlesme uyarlanma** استفاده می‌شود که از نظر لغوی به معنی انطباق و سازگاری می‌باشد. در مفهوم حقوقی، به معنی سازگار نمودن قرارداد با تغییر اوضاع و احوال شدیدی که اجرای قرارداد را برای متعهد با مشکل حاد مواجه نموده، آمده است؛ به طوری که با تعدیل قرارداد، دشواری شدید اجرای قرارداد^۱ برای متعهد از بین می‌رود.^۲

۲- اصل لزوم قراردادها

یکی از مهمترین اصول حاکم بر قراردادها که در تمامی نظام های حقوقی پذیرفته شده، اصل لزوم قراردادها می باشد. به موجب این اصل، از یک سو، مفاد و تعهدات ناشی از قرارداد نسبت به طرفین و قائم مقام آنها لازم الاتباع بوده و نیروی الزام آور عقد را مکلف به اجرای تعهدات قراردادی می کند؛ از سوی دیگر، این اصل دادگاه را نیز مکلف می کند که تا از مفاد عقد فراتر نرود و قانون قراردادی را چنانچه که هست، اجرا کند و حق تغییر در مفاد و تعهدات قراردادی را ندارد؛ حتی برای قانونگذار نیز این وظیفه را به وجود می آورد که به حریم قرارداد تجاوز نکند.

اصل لزوم قراردادهای (وفای به عهد)، که بر حقوق تعهدات ترکیه نیز حاکم بوده، امنیت معاملات حقوقی را برای طرفین فراهم و تضمین می‌کند و از آزادی قرارداد ناشی می‌شود. در راستای اصل لزوم قرارداد، طرفین متعهد می‌شوند که دقیقاً پس از انعقاد قرارداد به تعهدات خود عمل کنند. به عبارت دیگر، تعهد طرفین به انجام تعهدات ناشی از یک قرارداد معتبر، حتی اگر شرایط متعاقباً تغییر کند، نتیجه طبیعی اصل لزوم قرارداد است.^۳ حقوق دانان ترکیه، اصل تغییرناپذیری قراردادهای^۴ را از نتایج اصل لزوم قراردادهای تلقی نموده‌اند، با این حال معتقدند که نباید فریب ظاهر زیبایی این اصل را خورد؛ چرا که اصل تغییرناپذیری قرارداد در ظاهر با اصل آزادی قراردادی و اصل لزوم

1- A R I A G ÜÇ ÜGÜ

Y Fikret Eren," Borçlar Hukuku Genel Hükümler, yetkin basımevi", 27. Baskı, Ankara(2022), s 553.

3- I şay öük türk hukunda sözleşmelerin uygulanması 10 ,

4- S özeşmelerin değışmezliğı ilkesi

هماهنگی داشته و به مفهوم احترام گذاشتن به خواست و اراده متعاقبین می باشد ولی عدم انعطاف‌پذیری این اصل ممکن است در صورت دشوار شدن اجرای قرارداد برای یکی از طرفین، غیرمنصفانه و ناعادلانه باشد؛ بنابراین باید روش‌هایی وجود داشته باشد که در مواردی این امر را تلطیف و تخفیف دهد.

۳- مبانی تعدیل قرارداد

با توجه به اینکه تعدیل قضایی قراردادی با اصل لزوم قراردادی و اصل حاکمیت اراده در تعارض بوده و به دادگاه اجازه می دهد با نادیده گرفتن اراده طرفین و قراردادی که قانون طرفین محسوب می گردد، در مفاد قرارداد تغییراتی ایجاد نماید، بنابراین یکی از مهمترین بحث‌های مربوط به تعدیل قضایی قراردادی، مبنای پذیرش آن می‌باشد. به این شرح، این که براساس کدام مبنا، دادگاه حق نادیده گرفتن اراده طرفین و تغییر در مفاد قرارداد را دارد، همیشه مورد مناقشه حقوق دانان بوده است؛ لذا مبانی تعدیل قضایی قرارداد ابتدا در حقوق ایران و سپس در حقوق ترکیه مورد مطالعه قرار می گیرد.

۳-۱- مبنای تعدیل قرارداد در حقوق ایران

با توجه به سکوت قانونگذار و فقدان قاعده کلی در خصوص تعدیل قضایی قرارداد، حقوق دانان ایرانی به دنبال یافتن مبنایی برای تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران بوده اند. در این بحث به مهمترین مبنای مطرح شده در حقوق ایران پرداخت شده و در نهایت مبنای قانونی تعدیل قرارداد مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۳-۱- نظریه‌ی شرط ضمنی

عمده‌ترین استدلالی که در توجیه نظریه‌ی تغییر اوضاع و احوال و پذیرش تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران صورت گرفته، نظریه‌ی شرط ضمنی است. اصطلاح شرط ضمنی برای اموری به کار می‌رود که الفاظ قرارداد به صورت التزامی دلالت بر آن می‌نمایند؛ یعنی به حکم عقل یا قانون یا عرف یا مفاد و قرارداد یا طبیعت آن ملازمه دارد.^۱ برای مثال، در قرارداد، انجام مقدمات اجرای تعهد پیش بینی نمی‌شود، ولی می‌گویند طرفین به طور ضمنی متعهد به فراهم آوردن مقدمات آن نیز شده‌اند. بنابراین آنچه الفاظ صریح قرارداد آن را پیش بینی نکرده، اما ارتباط و ملازمه‌ای بین مفاد قرارداد با آن نتیجه برقرار باشد، جزء شروط ضمنی قرارداد خواهد بود. حقوقدانان منشأ این ملازمه را سه عامل عقل، عرف و قانون یاد می‌کنند. بدین معنا که گاه، وضعیت قرارداد به گونه‌ای است که بی‌وجود شرطی صریح، وجود حق یا تکلیفی، عقلاً با مفاد قرارداد ملازمه دارد. به عنوان مثال، اگر طی قولنامه‌ای خودرویی با این شرط که پس از چند روز استفاده‌ی آزمایشی مورد خرید و فروش قرار گیرد (اگرچه مبلغ معامله نیز رد و بدل شده باشد) معامله، این شرط ضمنی را به همراه دارد که در صورت معیوب بودن یا وجود مشکلی که باعث انصراف خریدار گردد، وی حق صرف نظر کردن از معامله را خواهد داشت.^۲

تعدیل یا فسخ عقد به بهانه‌ی تغییر بنیادین اوضاع و احوال، مبتنی بر شرط ضمنی یا بنائی (تبنائی) دو طرف مبنی بر لزوم حفظ تعادل قراردادی تا پایان اجرای تعهد است. در عقود و معاملات معوض، هر یک از دو طرف مالی را به دیگری می‌دهد یا عهده دار انجام تعهدی می‌شود تا در قبال آن، عوض متعادل بگیرد یا در برابر آنچه به عهده گرفته است، معادلش را دریافت کند و در واقع،

۱ - ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۳)، ص ۱۳۰
سید مصطفی محقق داماد، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸)، ص ۲۷۷.

۲ - سعید بیگدلی، تعدیل قرارداد، (تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۸)، ص ۱۳۰.

ترازی بر مبنای این اعتقاد انجام می‌شود. بیگمان، سکوت طرفین به معنای محترم شدن این بنا و پذیرفتن شرط متعادل ماندن دو عوض است. پس هرگاه حادثه‌ای ناگهانی و دور از انتظار پایه‌ی تبانی دو طرف را بشدت برهم زند، متضرر می‌تواند به استناد تخلف از شرط ضمنی یا بنائی عقد، تعدیل قرارداد را درخواست کند. براین اساس نه تنها تعدیل قرارداد با اصل آزادی قراردادی و اصل لزوم در تعاض نبوده، بلکه نتیجه پیروی از مفاد ترازی طرفین و تبعیت عقد از قصد مشترک طرفین می‌باشد و ریشه ارادی و قراردادی دارد.

منتقدین این نظریه بر این باورند استناد به شرط ضمنی نیز توجیه کننده تعدیل قرارداد نیست؛ چرا که اگر طرفین عقد، امکان اصلاح و تجدیدنظر در قرارداد در شرایط پیش بینی شده را در نظر داشتند، قطعاً نسبت به درج که شروطی که در صورت تغییر شدید در اوضاع و احوال، تعادل قراردادی را حفظ می‌کرد، اقدام می‌نمودند. بنابراین سکوت متعاملین در زمان انشا عقد، بیانگر تصمیم آنها به الزام به مفاد عقد و اجتناب از هرگونه تخلف از اجرای قرارداد می‌باشد.^۱

۲-۱-۳- قاعده عسر و حرج

برخی از حقوق‌دانان، تعدیل قضایی قرارداد در نتیجه‌ی تغییر اوضاع و احوال به دلیل حوادث پیش بینی نشده را بر مبنای قاعده «عسر و حرج» تحلیل نموده‌اند. بر اساس این عقیده، تغییر اوضاع و احوال قاعده‌ای است که برای جلوگیری از ضرر و حرج ناروا در موارد استثنائی و دور از انتظار به کار برده می‌شود و در حقیقت تعدیل قضایی قرارداد، شاخه‌ای از اجرای قاعده عسر و حرج می‌باشد.^۲

در قانون مدنی ایران، عسر و حرج به عنوان یک اصل کلی پذیرفته نشده است؛ با این حال در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به کار گرفته شده و به زوجه به دلیل حدوث شرایط مشقت بار اجازه‌ی درخواست طلاق از دادگاه را اعطا نموده است؛ از آنجایی قانونگذار از این قاعده در یک امر حقوقی

۱ - ناصر کاتوزیان، منبع پیشین، ص ۸۳.

۲ - همان

استفاده کرده و از سوی دیگر، بنا به اصل ۱۶۷ قانون اساسی در موارد سکوت یا اجمال و یا ابهام اجازه تمسک به منابع فقهی جهت رفع اشکال قانونی داده شده؛ لذا دایره شمول این قاعده را نباید محدود به حوزه خاصی از حقوق کرد و می توان آن را به عنوان یک قاعده کلی به کار گرفت.^۱

۳-۱-۳- نظریه اصاله البقا

مبنای دیگری که برای تعدیل قضایی در حقوق ایران مطرح شده نظریه اصاله البقا می باشد مطابق این نظریه در صورت که با تغییر اوضاع و احوال و دشوار شدن اجرای تعهدات قراردادی، تعادل عوضین برهم بخورد و بقا قرارداد به دلیل متزلزل شدن مبنای قرارداد، در خطر قرار گیرد باید با تعدیل قرارداد، عقد را ابقا نمود و در این دیدگاه، در تفسیر قرارداد باید منافع و مصالح جامعه نیز در نظر گرفته شود و در واقع اصل بقا نگاه اجتماعی دارد و در مورد قراردادهای که دچار تغییر بنیادین شده با توجه مصالح و منافع اجتماعی تصمیم گیری می نماید.^۲ اصاله البقا به عنوان راهکاری با هدف حفظ و ابقا عقود و قرارداد به کار می رود برخی از حقوق دانان امکان مطالبه ارش در خیار عیب را یکی از مصادیق اصاله البقا در حقوق ایران می دانند.^۳ با این حال پذیرش این نظریه به دلیل اینکه در نظام حقوقی ایران، اصل حاکمیت اراده بر مصالح اجتماعی برتریت داشته و اراده مشترک طرفین مبنای اصلی تفسیر قرارداد می باشد دشوار به نظر می رسد.

۳-۱-۴- حسن نیت

یکی از قواعد حقوقی که در دکتترین و رویه‌ی قضایی برخی کشورها برای توجیه نظریه‌ی تغییر اوضاع و احوال مورد استفاده قرار گرفته است، ضرورت اجرای با "حسن نیت" قرارداد است.

۱ - هلیا محمودی، "قلمرو و شرایط استناد به قاعده نفی عسر و حرج به عنوان منبع آثار قراردادی در حقوق ایران و فقه امامیه"، انتشارات فقه و حقوق معاصر، شماره ۸، (۱۳۹۷) ص ۱.

۲ - احمد یوسف زاده و همکاران، تعدیل قضایی قرارداد بر مبنای عدم تعادل اقتصادی آن در حقوق ایران، حقوق آمریکا و اسناد بین المللی، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷.

۳ - محمدجعفر جعفری لنگرودی، تئوری موازنه، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۲۶۳.

براساس این نظریه، وقتی تعهد مدیون در اثر اوضاع و احوالی پیش بینی نشده، گزاف و سنگین می شود، فشار آوردن دائن به مدیون، مخالف اصل حسن نیت است. بنابراین، اگر در صورت تغییر در اوضاع و احوال، طرف عقد چیزی عایدش نشود، یا آنچه عاید او می شود، بی ارزش و بی مقدار باشد، به اجرا گذاشتن عقد، مخالف اصل حسن نیت است. لذا این طبیعی خواهد بود که در این صورت به متضرر اجازه داده شود، در صورت عدم تراضی طرف معامله به عادلانه ساختن عقد با شرایط جدید، آن را فسخ نماید.^۱

در حقوق سوئیس، توجیه تعدیل یا انحلال قرارداد به شیوه‌های گوناگون انجام می پذیرد، اما به طور معمول از اصل حسن نیت پیروی می شود و حقوقدانان سوئیسی مطالبه‌ی حق را در شرایطی که تعادل عوضین به شدت به هم خورده است، رفتاری خلاف حسن نیت می دانند. در رویه‌ی قضایی نیز گفته شده است، پرداخت دین با پولی که ارزش خود را از دست داده است، با قواعد مربوط به حسن نیت در قراردادها منافات دارد و چهره‌ای از سوء استفاده از حق است.^۲ گرچه در حقوق این کشور، در مبنای پذیرش نظریه تغییر اوضاع و احوال اختلافاتی وجود دارد و قابلیت استناد به ماده‌ی یاد شده نیز از سوی برخی مورد تردید قرار گرفته است، اما در نتیجه، غالباً یا مبنای این نظریه را حسن نیت و سوء استفاده از حق و یا تنها مخالفت با "حسن نیت" معرفی کرده اند.^۳

علاوه بر کشورهای یاد شده، در ژاپن نیز، مبنای پذیرش فسخ یا بازبینی عقد در شرایط پیش بینی نشده، مخالفت اجرای قرارداد با حسن نیت است. ماده ۱ ق م ژاپن می گوید: "حقوق خصوصی باید با رفاه و آسایش عمومی منطبق باشد. حقوق و تکالیف باید با شرافت و درستی و منطبق با شرایط حسن نیت اعمال و اجرا شوند. سوء استفاده از حق مجاز نیست."^۴

۱ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۴۵

۲ - کاتوزیان، همان، ص ۸۹

۳ - همان

۴ - غفور خوئینی، "تحلیل فقهی حقوقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها"، پژوهشنامه متین، شماره ۱۳. (۱۳۸۰).

صفحه ۱۵۱

در حقوق فرانسه در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی حسن نیت به رسمیت شناخته شده بود و در اصلاحات سال ۲۰۱۶ میلادی در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی، قلمرو حسن نیت در قراردادهای افزایش پیدا کرده و رعایت حسن نیت در مذاکرات پیش قراردادی، تشکیل و اجرای قرارداد الزامی اعلام شده و این امر مصداق نظم عمومی تلقی شده است.^۱ با وجود به رسمیت شناخته شدن حسن نیت در حقوق فرانسه کمتر به حسن نیت به عنوان مبنایی برای تعدیل قضایی قرارداد نگریسته می شود. زیرا این حکم فقط ناظر به این مطلب است که طرفین باید با حسن نیت وارده مذاکره شده و قرارداد را منعقد و به تعهد خود عمل نمایند؛ یعنی نه تنها به آنچه در عقد بیان شده است عمل کنند، بلکه به آنچه انصاف و عرف یا قانون نیز بر اساس طبیعت تعهد، مقتضی آن است، پایبند باشند از این حکم نمی توان امکان تعدیل قرارداد را تجویز کرد. البته در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه، در ماده ۱۱۹۵، صراحتاً امکان تعدیل قضایی قرارداد مورد پذیرش قرار گرفته و دیگر نیازی با استناد به حسن نیت جهت تعدیل قرارداد وجود ندارد. بنابراین برخی از منتقدین، استناد به اصل حسن نیت را در باب تعدیل قرارداد، مطلقاً باطل می دانند. از نظر آنها، براساس همین قاعده، طرفین ملزم به انجام دادن صادقانه و کامل مفاد مورد توافقند و تخطی از این خواست مشترک خود نوعی سوء نیت است و قاضی نیز نمی تواند تصمیمی مخالف با خواست طرفین اتخاذ کند. پس، منظور قانونگذار از ضرورت اجرای با حسن نیت قرارداد، تأکید بر اجرای آن است، نه دلیلی برای معافیت از آن.

در حقوق ما، حتی اگر بتوان تکلیف مربوط به "اجرای حسن نیت" قرارداد را از قانون استنباط کرد، به دشواری می توان این قاعده را برخلاف اصل لزوم قراردادهای پای بند بودن دو طرف به مفاد عقد به کار برد. هیچکس حق ندارد در روابط اجتماعی دست به تقلب و تدلیس بزند. رابطه قراردادی نیز از قلمرو این قاعده بیرون نیست. ولی در این نتیجه تردید است که آیا سختگیری در گرفتن حق را می توان با حسن نیت در اجرای تعهد مخالف دانست؟ آیا لزوم

۱ - جعفر نوری یوشانلوئی و ابوالفضل شاهین، نوآوری های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۷، ص ۲۰۵.

۲ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۴۸

داشتن "حسن نیت" بایستی در جهت تأیید مفاد تعهد و اجرای کامل آن به کار گرفته شود یا برای معاف شدن از اجرای آن؟^۱

۳-۱-۵- مبنای قانونی

بررسی قوانین و مقررات داخلی ایران، در خصوص تعدیل قضایی، نشانگر عدم پذیرش تعدیل قرارداد به عنوان یک قاعده عمومی بوده؛ به گونه ای که قانونگذار کنونی تمایلی برای امکان تعدیل نداشته و حتی احکام برخی از مواد قانون مدنی همچون مواد ۲۱۹ و ۲۳۰، مانع جدی در تعدیل قرارداد ایجاد می نمایند. در قوانین بحث تعدیل قضایی قرارداد، صرفاً در قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶ به صورت صحیح مطرح گردیده بود که به موجب ماده ۴ قانون موصوف، دادگاه می تواند اقدام به تعدیل نرخ اجاره بها منوط به شرایط مندرج در ماده قانونی نماید، که این ماده نیز راجع به قراردادهای استیجاری تجاری تا قبل از سال ۷۶ قابلیت اجرا دارد. در سایر مواد قانونی این وضوح به شکل چشمگیری نظیر ماده سابق الذکر یافت نمی شود، بلکه می بایست با تشریح ماده به این امر دسترسی یابیم. از جمله این موارد می توانیم به مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی در خصوص تأدیه دین مدیون به دائن بحث نماییم که مطابق مواد مذکور، دادگاه می تواند برای ایفای تعهد به متعهد مهلت عادلانه اعطا نماید. درست است که به موجب این مواد، دادگاه حق اصلاح میزان تعهدات قراردادی را ندارد اما اعطای مهلت به متعهد نیز ارفاقی است به متعهد، تا بتواند با گرفتن مهلت راحت تر و بدون مشقت زیاد، تعهد خویش را ایفا نماید.

۳-۱-۶- اصل ۴۰ قانون اساسی

با فقدان قاعده کلی در خصوص تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران، اصل ۴۰ قانون اساسی می تواند مبنای قانونی برای تعدیل قضایی قرارداد در صورت دشواری اجرای قرارداد تلقی می گردد. پذیرش این نظریه وابسته به این است که اصول و حق تضمین شده در قانون اساسی را به

۱ - ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، منبع پیشین، ص ۸۹.

صورت مستقیم قابل اعمال در روابط خصوص بدانیم این مساله که آیا محاکم با استناد مستقیم به اصول قانونی اساسی در دعاوی حقوقی مثل تعدیل قرارداد می توانند حکم صادر نمایند خیلی مورد توجه حقوق دانان قرار نگرفته است . بین برخی از حقوق دانانی که به این موضوع پرداخته اند نیز اتفاق نظری وجود ندارد. برخی از حقوق دانان به صورت غیر مستقیم این موضوع را رد نموده اند و معتقد بر این هستند که دادگاهها نمی توانند مستقیماً با استناد به اصول قانون اساسی حکم صادر نمایند چرا که اولاً، محاکم به بهانه مخالفت قانون عادی با قانون اساسی نمی توانند قانون عادی را نادیده گرفته و اجرا نکنند. ثانیاً، اصول قانون اساسی چارچوبها و جهت گیری های کلی را ترسیم می کند و تعیین حدود و ثغور و مصادیق و ضمانت اجرای آن برعهده قانونگذار عادی است. به عنوان مثال قضات نمی توانند با استناد بر اصل ۴۰ قانون اساسی معامله به قصد فرار از دین را نامعتبر اعلام نمایند چرا که مصادیق این اصل باید توسط قانونگذار عادی تعیین گردد. همان گونه که ماده ۱۳۲ قانون مدنی یکی از مصادیق اصل ۴۰ قانون اساسی می باشد. به موجب این ماده: «کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد». اگر اصل ۴۰ قانون اساسی پذیرفته شده بود و دادگاهها اختیار استناد به آن را داشتند نیازی به تصویب ماده ۱۳۲ قانون مدنی و تعیین مصداق نبود. این امر حاکی از این است که حدود ممنوعیت های قانون اساسی و ضمانت اجرای آن را قانونگذار عادی مشخص می کند^۲

در مقابل امکان اعمال مستقیم اصول قانون اساسی در روابط قراردادی که از آن تحت عنوان اساسی سازی حقوق قراردادها یاد می شود^۳ مورد پذیرش دسته ای از حقوق دانان قرار گرفته است. به نظر می رسد برای پذیرش اساسی سازی در نظام حقوقی ایران، باید مقدماً ارزش هنجاری قانون

^۱ محمدجعفر جعفری لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ یازدهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷،

ص ۳۱

^۲ - میر حسین عابدیان، ۱۳۸۸-۱۳۸۹: ۸۶.

^۳ - رجوع شود به یوسف مولائی و مرتضی حاجی پور، اساسی سازی حقوق خصوصی، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۰، شماره ۶۱، ۱۳۹۷.

اساسی ایران و صلاحیت دادگاه بدوی و به تبع آن عدم اجرای قانون عادی به دلیل تعارض با قانون اساسی به رسمیت شناخته شود. در حقوق ایران، برخی از حقوق دانان معتقد به وصف هنجاری قانون اساسی هستند و قانون اساسی را صرفاً برنامه‌ریز نمی‌دانند. به باور این عده، ضرورت نظارت شورای نگهبان بر اساسی بودن مصوبات مجلس شورای اسلامی (اصول ۷۲ و ۹۴ قانون اساسی) هیچگونه تردیدی را در مورد ارزش هنجاری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جای نمی‌گذارد^۱

در مورد صلاحیت دادگاهها برای عدم اجرای قوانین عادی با قانون اساسی باید گفت که حتی قبل از انقلاب که نهادی همچون شورای نگهبان برای حفاظت از قانون اساسی وجود نداشت، دسته‌ای از حقوق دانان بر این نظر بودند که دادگاهها صلاحیت لازم را برای تشخیص مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی را دارند و در نتیجه از اجرای قوانین و مقررات عادی مغایر با قانون اساسی امتناع نمایند. مطابق این دیدگاه اولاً، مجلس حق قانونگذاری برخلاف قانون اساسی را ندارد. ثانیاً، در صورتی که مجلس خلاف قانون اساسی، قانونی را تصویب نمود، دادگاهها باید قانون برتر یعنی قانون اساسی را در نظر گرفته و حق عدم اجرای قانون عادی را دارند^۲. با این حال هیچ‌گاه این نظر به وسیله دادگاهها و سیستم قضایی وقت مورد پذیرش قرار نگرفت. حتی برخی از حقوق دانان طرفداران این نظریه اذعان داشتند که در مورد تعارض قوانین عادی با قانون اساسی ضمانت اجرایی وجود ندارد. دکتر علی آزمایش در این زمینه می‌نویسند:

«در لزوم انطباق قانون عادی با مقررات و احکام قانون اساسی تردیدی باقی نمی‌ماند. مرجع صالح برای تشخیص این امر در بعض کشورها شورای دولتی است و در ایران به عقیده اکثر مولفین حقوقی هیچ مرجعی برای تشخیص این امر وجود ندارد، و بالتجیه مقررات قانون اساسی

۱- جواد تقی زاده، «مسئله اساسی سازی نظم حقوقی»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵.

۲- علی آزمایش، «مسئله مغایرت قانون با قانون برتر در حقوق ایران»، **نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ ص ۱۵ و ۱۶. خلعتیری، ارسلان، (۱۳۲۷)، «تعارض قانون مصوب مجلس با قانون اساسی»، **مجله کانون وکلا**، شماره ۷، ۱۳۲۷، ص ۲۷.

یا قانون مادر در اساسی‌ترین قسمت آن یعنی لزوم اطاعت مقنن عادی از مقنن موسس، فاقد ضمانت اجراست»^۱

پیش‌بینی نهاد شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین اصل تفکیک قوا، موجب شده است که اکثر حقوق‌دانان بر این نظر باشند که دادگاه‌های عادی نمی‌توانند به دلیل مغایر بودن قانون عادی با قانون اساسی، از اجرای قوانین عادی صرف‌نظر نمایند.^۲ با این حال برخی از حقوق‌دانان همچنان بر صلاحیت دادگاه‌های عادی در عدم اجرای قوانین عادی با استناد به مغایرت آنها با قوانین اساسی تأکید می‌کنند. دکتر ناصر کاتوزیان در این زمینه اعلام می‌دارند: «دادرس مأمور اجرای قوانین (اعم از عادی و اساسی) است و هنگامی که در دعوا با دو متن متعارض روبرو می‌شود، باید بر حسب قواعد یکی از آن دو را مقدم شمارد. حال، اگر فرض کنیم که یکی از این متون مربوط به قانون اساسی و دیگری از قوانین عادی باشد، عقل حکم می‌کند که قاعده عالی تر بر مقررات پایین تر حکومت کند. درست است که قوه مقننه در برابر قوه قضاییه استقلال دارد و دادرس نمی‌تواند تصمیم‌های آن قوه را ابطال نماید، ولی استقلال قوه قضاییه نیز ایجاب می‌کند که دادرس بتواند آزادانه در برابر قوانین متعارض مطابق اصول حقوقی تصمیم بگیرد، و ناگزیر نباشد که در تجاوز به قانون اساسی با قوه مقننه همدستان شود»^۳

ایشان وجود شورای نگهبان را موجب از بین رفتن صلاحیت دادگاه‌های عادی در این زمینه نمی‌دانند، چرا که وظیفه شورای نگهبان جلوگیری از تصویب قوانین برخلاف قانون اساسی می‌باشد، و به صورت نوعی مانع اجرای آن می‌شود. در حالی که دادگاه صرفاً می‌تواند در دعوای مطروحه قانون اساسی را به عنوان قانون حاکم انتخاب کند و آن را بر قانون عادی مقدم بداند. بنابراین تعارضی بین دو صلاحیت مورد بحث وجود ندارد تا پیش‌بینی شورای نگهبان را به مفهوم نفی صلاحیت دادگاه عادی بدانیم.^۴

۳- علی آزمایش، منبع پیشین، ص ۱۱.

۴- ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم و هشتم، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶.

۳- همان، ص ۱۴۷.

۴- همان

کار، امکان تعدیل قرارداد را پذیرفت و این نکته شروع پذیرش قابلیت تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ترکیه می‌باشد.^۱

با تصویب قانون تعهدات جدید ترکیه در سال ۲۰۱۱ میلادی، قانونگذار در ماده ۱۳۸ قانون تعهدات، صراحتاً نظریه دشواری شدید در ایفای تعهد را پذیرفت و به محاکم ترکیه اجازه داد در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال و دشواری شدید اجرای قرارداد، در روابط قراردادی دخالت نموده و با توجه به شرایط جدید تعهدات قرارداد را اصلاح و تعدیل نماید.

۳-۲-۱- حسن نیت

در نظام حقوقی ترکیه برخلاف حق ایران، حسن نیت به عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته شده؛ ماده ۲ قانون مدنی ترکیه مصوب ۲۰۰۱ میلادی، مقرر می‌دارد: «هر شخصی در احقاق حقوق قانونی و انجام تعهدات خویش باید براساس حسن نیت عمل نماید. سوء استفاده آشکار از حق مورد حمایت نظم حقوقی نمی‌باشد». به موجب این حکم اشخاص در ایفای تعهدات خود باید حسن نیت داشته و نباید با سوء استفاده از حق موجب تضرر طرف مقابل گردند.

در قانون قدیم تعهدات ترکیه، تعدیل قضایی قرارداد به صراحت در قانون پیش بینی نشده بود و تا زمان تصویب قانون تعهدات جدید در سال ۲۰۱۱، مقررات قانونی خاصی در مورد تعدیل قرارداد وجود نداشت. مهمترین ابزاری که حقوق دانان و دادگاه برای تعدیل قرارداد به آن متوسل می‌شدند اصل حسن نیت موضوع ماده ۲ قانون مدنی ترکیه بود. گفتنی است اگرچه قانون تعهدات جدید ترکیه، تعدیل قضایی قرارداد در ماده ۱۳۸ پیش بینی شده است اما در حکم ماده ۱۳۸ نیز صراحتاً

ÖZETİ: Bu çalışmada, Türkiye'de sözleşmelerin değiştirilmesi hakkındaki hukuki düzenin, özellikle 2011 yılında kabul edilen Borçlar Kanunu'ndaki değişiklikler ışığında incelenmiştir. Çalışma, sözleşmelerin değiştirilmesinde "iyi niyet" kavramının rolünü ve hukukun düzeni korumak zorundadır. Bir hakkın açıkça kötüye kullanılmasını hukuk düzeni korumazç

2- D.üstlük ilkesi

3 - Herkes, haklarını kullanırken ve borçlarını yerine getirirken dürüstlük kurallarına uymak zorundadır. Bir hakkın açıkça kötüye kullanılmasını hukuk düzeni korumazç

بر حسن نیت تأکید شده و اعلام گردیده که در نظریه دشواری شدید اجرای قرارداد، باید قاعده حسن نیت در نظر گرفته شود.^۱

۳-۲-۲- نظریه فروپاشی مبنای قرارداد

یکی از نظریه‌هایی که در دکتترین حقوقی، به عنوان راه حلی برای تعدیل قضایی مطرح شد، نظریه «فروپاشی مبنای معامله» است. به موجب این نظریه، هر قراردادی با توجه به اراده مشترک طرفین، دارای هدف و مبنای خاصی می‌باشد و در صورتی که به دلایل اقتصادی، اجتماعی یا هر حادثه پیش بینی نشده‌ای اجرای تعهدات قراردادی ناممکن شده یا با دشواری شدیدی مواجه شود، دادگاه حق تعدیل یا فسخ قرارداد را دارد. بنابراین در صورتی که بعد از انعقاد قرارداد، به دلیل حوادث پیش بینی نشده، تعادل بین عوضین عقد به طور عینی مختل شده باشد و در نتیجه این اختلال، انتظار متعهدله برای اجرای قرارداد از سوی متعهد، نقض قاعده حسن نیت باشد، باید گفت که مبنای معامله از بین رفته است. در هنگام انشای عقد، فرض بر این است که بین عوضین تعادل وجود دارد. در این صورت می‌توان گفت که مبنای معامله، شروطی است که طرفین هنگام انعقاد قرارداد به صورت صریح یا ضمنی، بر آن توافق کرده‌اند. اگر پذیرفته شود که مبنای معامله در نتیجه‌ی حوادث پیش بینی نشده سقوط کرده است، زیان طرف متضرر با توجه به این وضعیت چگونه جبران می‌شود؟ تئوری سختی شدید اجرای قرارداد یا امپرویزیون^۲ که برای اولین بار توسط دربار امپراتوری آلمان پذیرفته شد، اعلام می‌دارد که اگر عدم تعادل عینی بین عوضین معامله، به دلیل حادثه غیرقابل پیش بینی رخ دهد، می‌توان درخواست کرد که قرارداد از سوی دادگاه تعدیل شده و یا امکان انحلال آن فراهم گردد. همچنین لازم به ذکر است که تعدیل قرارداد با شرایط متغیر آنقدرها هم که به نظر می‌رسد آسان نیست. برای اینکه سازگاری رخ دهد، باید شرایط خاصی رعایت شود. بر اساس دیدگاه عمومی، برای تعدیل عقد باید شرایط پس از انعقاد قرارداد به

¹ Aydemir, Efrail; "Hukukta 4 Kavram 4 Konu", Adalet Yayınevi, Ankara, (2011), s.213.

2- M R E E ON

گونه ای غیرعادی و عینی تغییر کرده باشد که از سوی طرفین پیش بینی نشده باشد و بین اعمال طرفین به دلیل این تغییر شرایط عدم تعادل شدید به وجود آمده باشد. ضمناً تغییر شرایط نباید تقصیر طرفین باشد و تعهدات ناشی از عقد نیز هنوز اجرا نشده باشد.^۱

اکثر حقوق دانان ترکیه، نظریه فروپاشی مبنای قرارداد را به عنوان مبنای اصلی تعدیل قضایی قرارداد پذیرفته اند. هرچند که به نظر برخی از حقوق دانان، این نظریه در حقوق ترکیه آنگونه که در حقوق آلمان درک شده است مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.^۲ اگرچه برخی از نویسندگان حقوقی بر این عقیده اند که نظریه فروپاشی مبنای معاملات آلمان در دکتترین با حقوق ترکیه سازگار نیست و قابل اعمال نیست، اما در هر حال، در مقایسه با سایر آموزه ها، نظریه فروپاشی مبنای معامله، طرفداران بیشتری داشته و از نظر حقوق تطبیقی محتوای غنی ارائه می دهد.

ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه مصوب ۲۰۱۱ که به صراحت، قاعده دشواری شدید اجرای قرارداد و تعدیل قضایی قرارداد را به عنوان اصل کلی پذیرفته است، از ماده ۳۱۳ قانون مدنی آلمان اقتباس شده است و در نتیجه، مبنای ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، قاعده فروپاشی مبنای قرارداد می باشد. البته اگرچه مفاد ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، مشابه حکم ماده ماده ۳۱۳ قانون مدنی آلمان می باشد ولی بابد توجه داشت که در ماده ۳۱۳ قانون مدنی آلمان درخواست تعدیل قرارداد از سوی هریک از طرفین عقد قابل پذیرش می باشد، در حالی که ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه فقط متعهد حق درخواست تعدیل قرارداد از دادگاه به دلیل دشواری شدید اجرای تعهدات را دارد. علاوه بر این، اگرچه مفهوم دشواری شدید در اجرا مقرر در ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، مشابه پدیده برهم زدن تعادل بین عوضین مقرر در ماده ۳۱۳ قانون مدنی آلمان می باشد ولی به هم خوردن

¹ - Memet Erdem AYBAY, "SÖZLEŞMENİN DEĞİŞEN KOŞULLARA GÖRE UYARLANMASI (YARGITAY HUKUK GENEL KURULU KARARI İNCELEMESİ)", Cevdet Yavuz'a Armağan, s 333.

² A N D A İ F et al' S ö zleşmelerde A nacı nı aç ekleşmesi Çıkması ve Ç a Ç ıkması', Y dık Y ı nları A nkarı (2012). § 28

تعادل عوضین قرارداد، از سوی هر دو طرف عقد قابل استناد می باشد ولی به نظر می رسد که دشواری شدید اجرای قرارداد، فقط از سوی متعهد قابلیت استناد دارد^۱.

۳-۲-۳- مبنای قانونی

برای اولین بار به موجب ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه مصوب ۲۰۱۱، نظریه دشواری شدید اجرای قرارداد و تعدیل قضایی تعدیل قرارداد پذیرفته شد. بر اساس این ماده «وضعیت فوق العاده‌ای که در زمان انعقاد قرارداد توسط طرفین پیش‌بینی یا انتظار نمی‌رفت، به دلیلی خارج از اراده متعهد اتفاق بیفتد و واقعیت‌های موجود در زمان انعقاد قرارداد را به ضرر طرفین تغییر دهد، تا حدی که مطالبه ایفای تعهد از متعهد خلاف مقررات حسن نیت باشد و او هنوز تعهد خود را اجرا نکرده باشد یا به دلیل عسر و حرج زیاد در انجام آن به وجود آمده باشد، در صورتی که متعهد با حفظ حقوق خود عمل کرده باشد، حق درخواست از دادگاه برای تعدیل قرارداد با شرایط جدید را دارد و در صورت عدم امکان تعدیل، حق انصراف از قرارداد را دارد و در قراردادهای با اجرای مستمر، به جای حق انصراف از حق فسخ استفاده می کند. حکم این ماده در مورد دیون ارزی نیز جاری است.»

در شرح توجیحی قانون در مجلس، علت تنظیم ماده به شرح زیر بیان شده است:

« حکم این ماده، مربوط به نظریه «فروپاشی مبنای معامله» بوده که به عنوان یکی از استثنائات اصل لزوم قرارداد (وفای به عهد) محسوب می شود. مبنای درخواست تعدیل بر اساس سختی شدید اجرا که با مفهوم غیرممکن متفاوت بوده، قواعد حسن نیت مندرج در ماده ۲ قانون مدنی ترکیه می باشد. اما تعدیل قرارداد یا اعمال حق انصراف و فسخ به دلیل تغییر اوضاع و احوال، منوط به تحقق چهار شرط ذیل است:

الف- در زمان عقد قرارداد باید وضعیت فوق العاده‌ای رخ داده باشد که توسط طرفین پیش‌بینی نشده یا انتظار نمی‌رفت.

1- 'BY İŞ öleşmenih' ırlanmasl', 454 .
M emeE iderBY İŞ ÖLE M İND EĞİ KO Şİ İA İG Ö E
UYA RAM ASYA İ İ YHUKUK G İ İLKU İ İ UKA İ İ
İ CHM EŞ ,C evdeY auz'İ mağan §37 .

ب- این وضعیت نباید توسط بدهکار ایجاد شود.

ج- حادثه پیش بینی نشده باید واقعیت های موجود در زمان انعقاد قرارداد را به ضرر متعهد تغییر داده باشد تا جایی که مطالبه ایفای تعهد از او مغایر با قواعد حسن نیت باشد.

د- متعهد باید هنوز تعهد خویش را ایفا نکرده باشد و یا با حفظ حقوق ناشی از سختی شدید انجام آن را انجام داده باشد.

بر اساس این ماده، در صورت احراز کلیه شرایط تعدیل، متعهد می تواند از قاضی تقاضای تعدیل قرارداد با شرایط جدید را بنماید. اگر این امکان پذیر نباشد، متعهد حق انصراف از قرارداد را داشته و در قراردادهای مستمر، حق فسخ معامله را دارد.^۱

اگرچه حکم این ماده یکی از نوآوری های قانون تعهدات جدید ترکیه بوده و قانونگذار ترکیه برای اولین بار به موجب این ماده، نظریه دشواری شدید در اجرای قرارداد و تعدیل قضایی عقد را به عنوان یک اصل کلی پذیرفته است. با وجود اینکه در دکترین حقوقی ترکیه با انتقاداتی نیز مواجه شده است، اما از نظر ارائه مبنای حقوقی به عنوان تحولی ستودنی توصیف می شود.

مهمترین انتقاد وارد شده به حکم ماده مذکور، این است که اگرچه در شرح رسمی قانون تعهدات و در مذاکرات مجلس این حکم مربوط به فروپاشی مبنای معامله اعلام شده، اما هم از نظر عنوان و هم از نظر محتوا، حکم این ماده به دشواری شدید در اجرا مربوط می شود که یکی از مظاهر فروپاشی مبنای معامله است نه خود نظریه سقوط مبنای قرارداد.^۲ با این حال، وقتی صحبت از فروپاشی اساس معامله می شود، سه احتمال به ذهن متبادر می شود: دشواری شدید در عملکرد، از دست دادن تعادل بین عوضین، بی معنا شدن قرارداد با هدفی که آن را دنبال می کرده است.^۳

1- AVU ZN ihaf 098 sayılı üB açlaK anunu Şrhl', C ilil A dilet Y aynevj Akara, (2013). S.838

2- B Y G N Ç enl' üB açlaK anunu'nuB aç İlişisiniHl İkümlerB açların vB aç İlişkileriniŞ onE mesK onularındı dirdiğB aY enilik ve Değişiklikler", EÜHFD., C. XIV, S. 3-4, Erzincan (2010). S.143

3Y avuz §38

بنابراین حکم ماده مورد بحث صرفاً یکی از مصادیق، نظریه فروپاشی مبنای معامله را پذیرفته است. برخی از حقوق دانان ترکیه بر این عقیده هستند که اگرچه در توجیه حکم ماده مورد بحث تأکید شده است که مفهوم دشواری شدید در اجرای قرارداد، متفاوت از عدم امکان اجرای عقد می‌باشد، اما نویسندگان قانون تعهدات ترکیه، مقرراتی در خصوص عدم امکان اجرای قرارداد پیش بینی نکرده اند و قانون تعهدات ترکیه در این خصوص ساکت می باشد.^۱

همچنین به باور برخی دیگر از حقوق دانان ترکیه، نویسندگان قانون تعهدات ترکیه، عنوان «دشواری شدید اجرا» را برای ماده ۱۳۸ به کار گرفته اند در حالی که در متن ماده بیشتر از آثار دشواری شدید اجرای قرارداد بحث شده و در این ماده، نظریه دشواری شدید اجرا تعهد، صرفاً موجب انحلال عقد نشده، بلکه در وهله اول، هدف این نظریه، زنده نگه داشتن قرارداد از طریق تعدیل آن بوده و در صورت عدم امکان تعدیل، حق انحلال قرارداد برای متعهد پیش بینی شده است. در نتیجه بهتر بود از عنوان «آثار دشواری شدید اجرا» برای این ماده استفاده می کردند.^۲

بعد از تصویب ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، قلمرو اعمال حکم مزبور یکی از مباحث مناقشه آمیز در دکتترین و رویه قضایی ترکیه می باشد.

مشهور حقوق دانان ترکیه، حکم ماده ۱۳۸ قانون تعهدات را مخصوص قراردادهای تلقی نموده و ایقاع را خارج از دایره شمول حکم مزبور می دانند. بر اساس این عقیده در ایقاعات همانند وصیت، نظریه فروپاشی مبنای قرارداد، جایگاهی نداشته و لذا نظریه دشواری اجرا و تعدیل قضایی در اعمال حقوقی یکجانبه منتفی می باشد.^۳

زمانی که از تعدیل قضایی قرارداد بحث می شود، بدون شک عقود معوض و دو تعهدی به ذهن متبادر می شود، یعنی معاملاتی که متعاقبین در مقابل هم تعهداتی را بر عهده می گیرند.^۴ با این

1C anbolat §30

2 B Y G N §42

3B aysal s98 .

4ÖztañB ilge M denH ukuk'utl eneK aramları,T uhaK itabevjA rkarā
(s90), s008 .

حال، در خصوص امکان تعدیل عقود غیرمعوض و یک تعهدی در حقوق ترکیه اختلاف نظر وجود دارد. اینکه آیا می توان قراردادهایی را که فقط به یکی از طرفین، تعهد را تحمیل می کنند، تعدیل کرد یا خیر، رویه واحدی در محاکم ترکیه دیده نمی شود.^۱

در خصوص این مسئله بین حقوق دانان ترکیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از نویسندگان حقوقی، به دلیل عدم لزوم وجود تعادل بین عوضین در عقود غیر معوض، امکان تعدیل در این دسته از قراردادها را نپذیرفته اند. به سخن دیگر، به موجب این عقیده، چون امکان بر هم خوردن تعادل بین عوضین در عقود غیرمعوض قابل تصور نمی باشد، تعدیل قضایی این نوع عقود نیز منتفی است. اما مشهور حقوقدانان، معتقد به امکان تعدیل عقود مورد بحث بوده و معتقد هستند از آنجا که سقوط مبنای معامله، صرفاً به برهم خوردن تعادل اقتصادی بین عوضین محدود نمی شود، بنابراین در عقود غیرمعوض نیز امکان تعدیل قضایی وجود دارد و این نظریه در سالهای اخیر طرفداران بیشتری پیدا کرده است.^۲ به عنوان مثال، اگرچه عقد هبه^۳ عقد غیر معوض و یک تعهدی می باشد، اما به موجب ماده ۲۹۶ قانون تعهدات ترکیه، در صورتی که بعد از انعقاد عقد هبه، وضعیت مالی واهب به حدی بد شود که ایفای تعهد برای ایشان به شدت دشوار باشد، واهب حق رجوع از هبه دارد. طرفداران امکان پذیر بودن تعدیل عقود غیرمعوض، این امر را نمونه ای از امکان تعدیل در این گونه قراردادها می دانند.^۴ همچنین در حقوق ترکیه امکان تعدیل قضایی قرارداد در عقود معوضی که بین عوض تقابل وجود ندارند را پذیرفته شده است، در این گونه از تعهدات، تعهد

1. B. Aysal, s. 107.

2. S. Özcan, "K. Aşılıklık Öleşmelerde Aşıl Aatılmı? Eş Orada Olmuş E dmler A rasD engesizliğin U yarlamı? dıyl üeltilmesi", P. İofD rM. K. enal O ğzman'ın nsınA mağan İstanbul 2000), s. 1018.

3- İğışlama sözleşmeleri

4- Z. dırB. dük U. LPA. R. İ. A. G. Ü. Ü. ÜBK. . nıl 38 Y. Y. İsek. İsans. T. ejANKA. R. N. İ. R. SİTE 2015, 98.

یکی از طرفین بعد از اجرای تعهد طرف دیگر عقد ایجاد می گردد.^۱ در واقع، امکان برهم خوردن تعادل عوضی در چنین قراردادهایی نیز امکان پذیر می باشد.^۲

به طور سنتی تعدیل قضایی در قراردادهای مستمر مطرح می شوند، چرا که اجرای آنها به مدت زمان طولانی بستگی دارد و در عمل نیز لزوم تعدیل قرارداد بیشتر در این نوع معاملات مطرح می گردد؛ زیرا احتمال وقوع حوادث غیرقابل پیش بینی در این نوع عقود بیشتر می باشد.^۳ با این وجود، بسیاری از نویسندگان حقوقی استدلال کرده اند که تغییر اوضاع و احوال و تعدیل قرارداد ممکن است در برخی موارد در قراردادهای غیر مستمر نیز رخ دهد.^۴ به ویژه در عقود فوری که بین تاریخ انعقاد عقد با سررسید ایفای تعهد فاصله وجود داشته باشد، دشواری شدید اجرای تعهد و تعدیل، بیشتر می تواند رخ دهد.^۵ زیرا در هر قراردادی که بین تشکیل و اجرای آن فاصله زمانی وجود داشته باشد احتمال وقوع حوادث پیش بینی نشده می باشد.^۶ با این حال دیوان عالی ترکیه در بسیاری از احکام خود تعدیل قضایی را منحصر به عقود مستمر دانسته و عقود فوری مشمول مقررات تعدیل ندانسته است.^۷

شعبه یازدهم دیوان عالی ترکیه در سال ۲۰۰۰ میلادی، مقرر نمود که تعدیل قضایی قراردادهای فوری منتفی می باشد و امکان تغییر اوضاع و احوال را نمی توان در قراردادهای اجرای فوری قابل

۴K aplan İbrahim H âkîmin S öleşmeyM üdahalesi,"S kiY ınlarıA rkar
007), sl 51 .

 aysal sl 07 .

 ydemirE fail' "Ak Zarar Szleşmenin Uyarlanması Ceza Koşulu,"S kin
Y ınları013), sl 19 .

 aplan sl 51 .

 aysal sl 09

 üsoy sl 22

 YD M R E fail' A k a öleşmeninU ylanması C  ull ,S kin
Y ınları013),S .121

تصور نیست، زیرا پس از ایفای تعهد، ادعای تغییر شرایط و دشوار شدن اجرای تعهد قابل طرح نیست. البته در قراردادهای فوری مؤجل، نظریه دشواری شدید اجرای تعهد پذیرفته شده است.^۱ با این حال، دیوان عالی کشور نیز در سالهای اخیر رویه خود را تغییر داده و دیدگاه غالب در دکتترین حقوقی ترکیه را پذیرفته و امکان تعدیل در قراردادهای حال یا فوری را قبول کرده است. دیوان عالی در سال ۲۰۱۰ اعلام داشت:^۲ «اعتقاد به اینکه تغییر اوضاع و احوال و تعدیل قرارداد فقط می تواند در عقود دو تعهدی و مستمر اعمال گردد صحیح نمی باشد. در واقع دیوان عالی ترکیه در این حکم، نظر خود را در راستای دیدگاه غالب در دکتترین تغییر داده و امکان تعدیل در عقود فوری را صادر کرده است. دیوان عالی در تصمیم خود صراحتاً اعلام نمود: که این اصل را می توان در قرارداد خرید و فروش و همچنین در خرید و فروش خودرویی که باید از ایتالیا وارد و تحویل داده شود، اعمال کرد. بنابراین، محدود کردن اصل دشواری اجرای قرارداد، فقط به قراردادهای با اجرای مستمر صحیح نخواهد بود. به طور گسترده تر، باید پذیرفت که این اصل را می توان در مورد قراردادهایی که در آینده نتیجه می دهند، یا در آینده محقق می شوند، یا با اجرای فوری خاتمه نیافته اند نیز اعمال کرد با برقراری حکم، امکان تعدیل قراردادهای اجرای فوری را پذیرفته است»^۳

گفتنی است که از مفاد ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، اعمال نظریه دشواری شدید اجرا و تعدیل قضایی در عقود حال یا فوری قابل استنباط می شود؛ زیرا در ماده مذکور آمده است: «در عقود با ایفای مستمر، مدیون قاعداً به جای انصراف از حق فسخ استفاده می کند». مفهوم مخالف جمله مذکور این است که حکم ماده ۱۳۸ در مورد این دسته از قراردادها نیز قابل اعمال بوده و به جای حق فسخ که مخصوص عقود مستمر می باشد، در این عقود متعهد در صورت دشواری شدید اجرای

۱ - برای دیدن این حکم مراجعه کنید به ([http:// www.sinerjimevzuat.com.tr/index.jsf](http://www.sinerjimevzuat.com.tr/index.jsf))

۲ - - HGK 27.01.2010 T. 2010/14-14 E. 2010/15 K

۳ Memet Erdem AYBAY, "SÖZLEŞMENİN DEĞİŞEN KOŞULLARA GÖRE UYARLANMASI (YARGITAY HUKUK GENEL KURULU KARARI İNCELEMESİ)", Cevdet Yavuz'a Armağan, 2019, s 329.

تعهد، حق انصراف از قرارداد را دارد.^۱ البته به موجب ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، تعدیل قراردادی امکان پذیر می باشد که متعهد هنوز تعهد خود را ایفا نکرده باشد در صورتی که مدیون به تعهد خود عمل کرده باشد، درخواست تعدیل قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت، زیرا فرض بر این است که قرارداد قابل اجرا بوده و شرایطی وجود ندارد که مستلزم تعدیل باشد.

عدم قابلیت پیش بینی تغییر اوضاع و احوال شرط اساسی تعدیل قضایی قرارداد در نظام حقوقی ترکیه می باشد به عنوان مثال، نوسان شدید نرخ ارز در ترکیه همانند ایران یک مشکل اساسی بوده به طوری که قراردادهای که با ارز خارجی منعقد شده اند را همیشه با مشکل مواجه می نماید با این حال سالها در خصوص اینکه آیا تغییر شدید نرخ ارز حادثه غیرقابل پیش بینی می باشد یا خیر؟ اختلاف نظر وجود داشت تا اینکه دیوان عالی ترکیه در سال ۲۰۱۴ میلادی، افزایش نرخ ارز در ترکیه را حادثه غیرقابل پیش بینی ندانسته و تعدیل تعهدات ارزی به دلیل افزایش نرخ ارز را رد نمود. در این پرونده، خواهان از بانک وام مسکن ارزی (ین ژاپن) دریافت کرده بود و با افزایش شدید نرخ ارز خواهان، دعوای تعدیل قرارداد را مطرح می نماید با اینکه دادگاه بدوی موضوع را مشمول حکم ماده ۱۳۸ قانون تعهدات دانسته و حکم به تعدیل قرارداد صادر نمود. شعبه ۱۳ دیوان عالی ترکیه، با این استدلال که افزایش نرخ ارز، در ترکیه حادثه غیرقابل پیش بینی نمی باشد حکم موصوف را نقض و به شعبه هم عرض ارجاع داد. دادگاه هم عرض نیز، استدلال شعبه ۱۳ دیوان عالی را نپذیرفت و بر امکان تعدیل قرارداد تاکید نمود نهایتاً دیوان عالی کشور ترکیه طی رای وحدت رویه ای، افزایش نرخ ارز را حادثه غیرقابل پیش بینی ندانست.^۲ البته گفتنی است که رویه قضایی ترکیه، به صورت مطلق هر گونه افزایش نرخ ارز را حادثه قابل پیش بینی تلقی نکرده بلکه اعتقاد بر این است که در هر پرونده باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص آن پرونده تصمیم گیری شود. به عنوان مثال پرونده ای که مبنای دادنامه شماره ۲۲/۱۹۹۵ مورخ

¹B aşıl sl 10 .

2- M emE rdeY AY Ş ÖLE M N N D E Çİ KOŞ İA R G Ö E UYA RAM AŞ İA R Y HUKUK G N ELKU R UKA R İ İ N ÇİM EŞ ,C evdeY auz' A mağan §32 .

۱۳۹۵/۰۱/۱۷ صادره از شعبه ۱۳ دیوان عالی ترکیه بوده، خواهان از خواننده (بانک)، برای بخشی از ارزش خانه‌ای که قصد خرید آن را داشته، وامی با نرخ ارز مارک آلمان که در آن زمان رایج بوده، دریافت کرده است. لیکن به دلیل افزایش فوق‌العاده ارزش مارک آلمان در برابر لیر ترکیه در نتیجه بحران سال ۱۹۹۴، خواهان مدعی شده است که در ماه ژانویه همان سال، مبلغ بدهی وی بسیار بیشتر از میزانی شده است که در صورت عدم افزایش نرخ ارز باید پرداخت می‌کرد، و خواستار فسخ قرارداد شده است. خواهان پس از دریافت پاسخ منفی از بانک، از دادگاه تقاضای تعدیل قرارداد را نمود. دادگاه بدوی دعوا را رد کرد. شعبه سیزدهم دادگاه عالی حقوقی پس از درخواست تجدیدنظر، رأی دادگاه بدوی را نقض نمود. در حکم خود اعلام نمود: «... در حل اختلاف، بررسی و روشن شدن این موضوع که آیا در اثر بحران اقتصادی و تصمیمات دولتی پس از انعقاد قرارداد، مبنای معامله که رکن اصلی قرارداد و مورد توافق اولیه طرفین بوده، به جز افزایش طبیعی قیمت ارز، دچار فروپاشی شده است یا خیر، اجتناب‌ناپذیر است... لازم به ذکر است که بر اساس ماده ۲ قانون مدنی ترکیه، دارا شدن بلاجهت بایع به صورت غیرمنتظره و غیرعادی و ناشی از بحران اقتصادی و کاهش ارزش پول که نتایج آن قابل پیش‌بینی نبوده، به هیچ عنوان قابل توجیه نیست و با اصل تساوی حقوق طرفین در قرارداد مغایرت دارد؛ بعلاوه، احساس عدالت ملموس را نیز خدشه‌دار می‌سازد. در چنین شرایطی، اگر مبانی و اصول تعدیل به نفع خریدار ایجاد شده باشد، «به طریق اولی» باید پذیرفت که خریدار می‌تواند برای تعدیل قیمت خرید اقامه دعوا نماید... در صورتی که فروپاشی مبنای معامله و برهم خوردن غیرقابل تحمل تعادل منافع در قرارداد به نفع خواهان پذیرفته شود، باید میزان مسئولیت خریدار در پرداخت ثمن معامله مشخص گردد و بدین ترتیب ثمن معامله در قرارداد بر اساس حسن نیت عینی، حق و انصاف (ماده ۴ و ۲ قانون مدنی) به نحوی که با هدف طرفین سازگار باشد، مجدداً بر اساس ارز خارجی تعدیل شود. در هر حال، باید یک کارشناس مالی و یک اقتصاددان در هیئت کارشناسی حضور داشته باشند.» در نتیجه شعبه ۱۳ دیوان عالی ترکیه، تعدیل قضایی قرارداد را پذیرفت حکم بدوی را نقض و رای به تعدیل قرارداد موضوع پرونده صادر کرد. به نظر حقوقدانان ترکیه، با توجه به ارزیابی‌های انجام شده در این موارد، می‌توان نتیجه گرفت که شعبه سیزدهم دادگاه عالی حقوقی معتقد است که در

قراردادهای مرتبط با ارز، باید بررسی دقیقی برای تعدیل انجام شود و قاعده کلی نمی توان در این خصوص وجود نداشته بلکه هر پرونده باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال آن مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین در صحت این ارزیابی جامع نباید مورد تردید قرار گیرد. در تایید صحت این رای می توان به حکم صادره از شعبه ۱۱ دیوان عالی ترکیه استناد نمود^۲ به این شرح که در پرونده‌ای که مبنای دادنامه صادره از شعبه ۱۱ دیوان عالی ترکیه، به تاریخ ۱۹۹۶/۲/۵ بوده است، خواهان در تاریخ ۱۹۹۳/۱۰/۲۸ از خوانده (بانک)، "وام مسکن" با نرخ دلار آمریکا را به صورت لیر ترکیه دریافت کرده و مقرر شده بود که بازپرداخت‌ها به صورت ارزی انجام شود. خواهان با این ادعا که به دلیل بحران اقتصادی سال ۱۹۹۴ بازپرداخت وام با ارز خارجی دشوار شده است، از دادگاه بدوی تقاضای تعدیل قرارداد را نموده است. دادگاه بدوی حکم به پذیرش دعوا صادر کرده، که این رأی توسط بانک خوانده مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. نکته قابل توجه در این پرونده این است که در ارزیابی ادله توسط شعبه، مشخص شده است خوانده با پذیرش دشوار شدن اجرای قرارداد، چهار پیشنهاد جدید برای بازپرداخت وام، به خواهان ارائه نمود و خواهان هیچکدام از پیشنهادی مذکور را قبول نکرده و اقدام به طرح دعوا نمود و به نظر شعبه ۱۱ دیوان عالی، دادگاه بدوی به دلیل اینکه بدون بررسی مناسب بودن این پیشنهادها بازپرداخت، حکم صادر کرده است، رأی دادگاه بدوی را نقض کرده است. به نظر می رسد اگرچه نتیجه این رأی متفاوت است، اما مانند رأی ذکر شده در بالا، استدلال دیوان عالی صحیح می باشد. چرا که اقامه دعوی تعدیل عقد، توسط خواهان بدون در نظر گرفتن گزینه‌های پرداختی که به او ارائه شده، وضعیتی را به ضرر خود ایجاد کرده است. همچنین، صدور رأی توسط دادگاه بدوی بدون در نظر گرفتن این

¹ Memet Erdem AYBAY, "SÖZLEŞMENİN DEĞİŞEN KOŞULLARA GÖRE UYARLANMASI (YARGITAY HUKUK GENEL KURULU KARARI İNCELEMESİ)", Cevdet Yavuz'a Armağan, 2019, s 339- 340.

² - Yarg. 11. HD E.1995/8932 K.1996/704 T.05.02.1996 (www.kazanci.com Erişim Tarihi 24.02.2015).

پیشنهادها، همانطور که در رأی دیوان عالی به درستی ذکر شده، نقض حکم بدوی به دلیل نقص تحقیقات را توجیه می‌کند.^۱

نتیجه

با توجه به آنچه که گفته شد به نظر می‌رسد با فقدان قاعده کلی در حقوق ایران در خصوص تعدیل قضایی قرارداد، می‌توان با استناد به قاعده عسر و حرج و شرط ضمنی، قاعده لاضرر و اصل ۴۰ قانون اساسی، در موقعیت‌های که به دلیل حوادث پیش بینی شده اجرای تعهد با سختی شدیدی مواجه شده امکان تعدیل قرارداد را پذیرفت با این حال، لزوم وضع یک قاعده عمومی در این خصوص احساس می‌گردد. در حقوق ترکیه، از نیمه دوم قرن بیستم، دکترین حقوقی و رویه قضایی تحت تاثیر نظریه فروپاشی مبنای معامله، امکان تعدیل قضایی قرارداد مورد بحث قرار گرفته با این وجود، اصل حسن نیت به عنوان مبنای اصلی تعدیل قضایی قرارداد پذیرفته شده بود و رویه قضایی بر همین مبنای، در قراردادهایی که با حوادث غیرقابل پیش بینی شده مواجه شده بودند مداخله نموده و آن را تعدیل می‌کرد. با تصویب قانون جدید تعهدات در سال ۲۰۱۲ میلادی، در ماده ۱۳۸ قانون مزبور، نظریه دشواری شدید اجرای تعهد پذیرفته شده و به دادگاه اختیار مداخله در قرارداد و تعدیل میزان تعهد داده شده است. هر چند که در خصوص قلمرو اعمال حکم موصوف، اختلافاتی در رویه قضایی و دکترین حقوقی وجود دارد با این حال به موجب نظریه غالب در حقوق ترکیه نه تنها عقود معوض مستمر بلکه عقود یک تعهدی و فوری نیز مشمول حکم مذکور می‌گردد ولی دیوان عالی کشور با صدور رای وحدت رویه در سال ۲۰۱۵ میلادی تغییر نرخ ارز، با توجه به وضعیت اقتصادی ترکیه حادثه ای غیرقابل پیش بینی ندانسته و تعدیل قضایی تعهدات ارزی در صورت نوسان شدید نرخ ارز را به شدت محدود کرده است.

¹ - Memet Erdem AYBAY, s 341.

منابع منابع فارسی

- ۱- آزمایش، علی، «مساله مغایرت قانون با قانون برتر در حقوق ایران»، (نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱).
- ۲- بیگدلی سعید، تعدیل قرارداد، (تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۸).
- ۳- تقی زاده، جواد، «مساله اساسی سازی نظم حقوقی»، (مجله پژوهش‌های حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۳۸۶).
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد، تئوری موازنه، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱.
- ۵- خلعتبری، ارسلان، «تعارض قانون مصوب مجلس با قانون اساسی»، (مجله قانون و کلام، شماره ۷، ۱۳۲۷).
- ۶- خوئینی غفور، «تحلیل فقهی حقوقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها»، (پژوهشنامه متین، شماره ۱۳، ۱۳۸۰).
- ۷- دهخدا علی اکبر، لغت نامه، (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳).
- ۸- سلطانیان صحبت الله، تعدیل قضائی قرارداد، (تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴).
- ۹- عمید حسن، فرهنگ فارسی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳).
- ۱۰- کاتوزیان ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۳).
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتاد و هشتم، ۱۳۹۰).
- ۱۲- مجعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ یازدهم، (انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷).

۱۳- محقق داماد سید مصطفی، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸).

۱۴- محمودی هلیا، "قلمرو و شرایط استناد به قاعده نفی عسر و حرج به عنوان منبع آثار قراردادی در حقوق ایران و فقه امامیه"، انتشارات فقه و حقوق معاصر، شماره ۸، (۱۳۹۷)

۱۵- مولائی، یوسف و حاجی پور مرتضی، اساسی سازی حقوق خصوصی، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۰، شماره ۶۱، ۱۳۹۷.

۱۶- نوری یوشانلوئی، جعفر و ابوالفضل شاهین، نوآوری های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران، (فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۷)

۱۷- یوسف زاده، احمد و همکاران، تعدیل قضایی قرارداد بر مبنای عدم تعادل اقتصادی آن در حقوق ایران، حقوق آمریکا و اسناد بین المللی، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۷.

منابع خارجی

- 1- Fıkret Eren, " Borçlar Hukuku Genel Hükümler, yetkın basımevı", Baskı, Ankara(2022).
- 2- BAYSAL, " Başak, **Sözleşmenin Uyarlanması**, On İki Levha Yayıncılık", İstanbul,(2009).
- 3-FEYZİOĞLU, Turhan, "**İdare Hukukunda Emprevizyon Nazariyesi**, Milli Eğitim" , Ankara, (1947).
- 4- GÜRSOY, Kemal Tahir, " Hususi Hukukta Clausula Rebus Sic Stantibus, Güney Matbaacılık ve Gazetecilik T.A.O", Ankara,(1950).
- 5- Aydemir, Efrail; "*Hukukta 4 Kavram 4 Konu*", Adalet Yayınevi, Ankara, (2011).
- 6- BAYGIN, Cem, "Türk Borçlar Kanunu'nun Borç İlişkisinin Hükümleri Borçların ve Borç İlişkilerinin Sona Ermesi Konularında

- Getirdiği Bazı Yenilik ve Değişiklikler", EÜHFD., C. XIV, S. 3-4, Erzincan (2010).
- 7- YAVUZ, Nihat, "6098 sayılı Türk Borçlar Kanunu Şerhi", Cilt:1, Adalet Yayınevi, Ankara, (2013).
- 8- Serozan, "Karşılıklı Sözleşmelerde Baştan Dayatılmış Veya Sonradan Oluşmuş Edimler Arası Dengesizliğin Uyarlama Yoluyla Düzeltilmesi", Prof. Dr. M. Kemal Oğuzman'ın Anısına Armağan, İstanbul, (2000).
- 9- Kaplan, İbrahim; "Hâkimin Sözleşmeye Müdahalesi", Seçkin Yayınları, Ankara,(2007).
- 10- AYDEMİR, Efrail," Aşkın Zarar Sözleşmenin Uyarlanması Ceza Koşulu", Seçkin Yayınları, (2013).
- 11- Aydemir, Efrail; "Aşkın Zarar Sözleşmenin Uyarlanması Ceza Koşulu", Seçkin Yayınları, (2013).
- 12- Memet Erdem AYBAY, "SÖZLEŞMENİN DEĞİŞEN KOŞULLARA GÖRE UYARLANMASI (YARGITAY HUKUK GENEL KURULU KARARI İNCELEMESİ)", Cevdet Yavuz'a Armağan, 2019.
- 13- Zehra Betül KULP, "AŞIRI İFA GÜÇLÜĞÜ (TBK. md. 138)", Yüksek Lisans Tezi, ANKARA ÜNİVERSİTESİ, 2015.

The basics Judicial Modification of Contract in Iranian and Turkish law

Abstract

The principle of the necessity of contracts guarantees the security and stability of contractual relationships and prevents violations in the implementation of obligations; But one of the excuses that is considered an exception to this principle is the change in the contract's circumstances, which disturbs the economic balance of the contract, makes its implementation difficult, expensive and unconventional, but

does not make it impossible; Especially in long-term contracts where there is a gap between the conclusion of the contract and its implementation. Although this theory is not specified in Iran's laws, but in Turkey's legal system, due to the economic crises experienced in recent years and the negative effects of these crises, especially on foreign currency debts, the possibility of adjusting the contract is accepted. In this research, the possibility of adjusting the contract, its conditions and its effects in the laws of Iran and Turkey have been studied in an analytical and descriptive way. By examining the basics of the theory of change of circumstances, it seems that in some contracts, emphasizing the implicit condition and in most of them citing the rule of negation of hardship and hardship can be a suitable justification in the assumption of the lack of explicit agreement between the parties or the absence of legal reason. Based on these principles, the change in circumstances can have effects such as suspending the implementation until the final task is clarified, adjusting the amount of obligations and, accordingly, the possibility of requesting renegotiation. In Turkish law, unlike Iranian law, the theory of contract change is accepted in the Law of Obligations, and accordingly, the possibility of adjusting the contract faces less difficulties.

Keywords: Principle of Necessity - Change of Situations - Abduction of Accident - Implicit Condition - Hardship clause